بیانیه احمد شاه

خلاصه یادآورست اگر ممکن باشد سبب خیر شدن چه عیب دارد.زیاده عرض‏ ندارم.هرگونه خدمات باشد حاضرم.تأسف که دارم ممکن نشد صحبت خلوص بنمایم‏ سبب یکی مشقولیت(مشغولیت)جناب عالی دیگر پریشانی وضع وقت بود.

اقل زین العابدین مراغه

بیانیهء احمد شاه

موقعی که مجلسس مؤسسان به تعیین پادشاه جدید مشغول بود احمد شاه در پاریس‏ بیانیه‏ای منتشر کرد که در روزنامهء«بامداد» Le Matin چاپ شد.شخصی نسخه‏ای‏ ماشین‏شده از متن آن اعلامیه را با یادداشتی بی‏امضا که ذیل آن به دست نوشته شده‏ است به مستشار الدولهء صادق رئیس مجلس مؤسسان می‏فرستد.چون سندی است که‏ نمی‏دانیم در مأخذ ایرانی چاپ شده باشد ترجمهء آن را(به لطف دکتر اصغر مهدوی) درینجا می‏آوریم.

شرحی که به فارسی زیر بیانیه نوشته‏اند چنین است:

آقای رئیس مجلس مؤسسان.

اگر شرف و وجدان دارید(تصور میکنم اشخاصی که اروپا رفته‏اند می‏فهمند شرف یعنی چه)این اعتراض مظلومی را که به لوطی‏بازی ظلم به او شده ترجمه کرده و تمام اعضاء مجلس را از مضمونش مستحضر می‏کنید.شاید شرافت ایرانی مانع شود که‏ مملکت شش هزار ساله ملعبه و مسخرهء دست انگلیسها شود و یک مرکز ثابت مملکت ما دستخوش هوی و هوس سیاستمداران انگلوساکسون واقع گردد.تصور می‏کنم هر ایرانی‏ باشرفی راضی نمی‏شود که مملکتش از هندوستان بدتر شود.من آنچه شرط بلاغ است‏ با تو می‏گویم.منتظر مکافات اخروی و عقوبت دنیوی باشید.خیرخواه

درین موقع باریک که آیندهء کشور من در خطرست تمام افکارم متوجه ملتم است‏ که این بیانیه را برای آنها می‏دهم.

از زمانی که رضا خان با تردستی قشون را در اختیار خود گرفت و قوای عمومی‏ مملکت را مورد سوءاستفاده قرار داد برخلاف قوانین اساسی کشور شاهنشاهی رفتار کرده است.

به نظرم مناسب آمد برای آنکه از هیجانات داخلی ملت من مبتلی به گرفتاری نشود از کشورم دروی جویم و از راه غیب خود به ثبوت برسانم که تا چه حد با این اعمال‏ خلاف قانون و خودسرانه مخالفت دارم.

کودتای رضا خان مغایر قانون اساسی و بر ضد سلسلهء سلطنتی من با قدرت سرنیزه‏ انجام شده است.او مقدس‏ترین قوانین را زیر پا نهاد و ملت مرا ضرورة به سوی‏ عواقب وخیم و آلامی که بهیچوجه سزاوار آن نیست مبتلی خواهد کرد.

من قویا و رسما اعتراضات خود را نسبت به این کودتا اعلام می‏دارم و کلیه‏ اعمالی که در آینده از طرف آن دولت بوقوع برسد و آنچه در زیر سلطه این حکومت بوقوع بپیونددباطل و کان لم یکن اعلام می‏دارم.

من حقوقی را که خود سلسله قاجار نسبت به تاج و تخت ایران که نه موهبتی‏ الهی و به موجب قوای اساسی مملکت داریم محفوظ می‏دارم.

من خود را پادشاه برحق و قانونی مملکت ایران می‏دانم و در انتظار بازگشت‏ خود به کشورم برای خدمتگزاری به ملتم که هیچگاه صفات شرافتمندانه و صادقانه و... آن همیشه نسبت به من در مواقع دشوار ابراز کرده است او را فراموش نمی‏کنم،هستم.

شرح یک عکس قاجاری\*

این عکس حکایت غریبی دارد.دورهء مهمانی مفصلی داشتیم تقریبا از چهار ماه‏ قبل هرروز جمعه در خانه یکی مدعو بودیم.روز جمعه هفدهم شهر ذی قعدة الحرام در خانهء معتضد السلطنه دعوت داشتیم.عکاس هم خبر کرده بودیم برای یادگاری عکسی‏ انداخته در نزد هریک باشد.بعد از نهار عکاس آمده چندین شیشه عکس انداخت که یکی‏ از آنها همین است.مابقی ضایع شد.پس از فراغت از انداخت عکس در سبزی‏کار[ی‏] جلو عمارت معتضد السلطنه که متعلق به نواب والا نصرت الدوله فرمانفرماست در کمال‏ خوشی و بشاشت نشسته بودیم.جمعیت در قرق شاه و جشن پنجاهم سلطنت اعلیحضرت‏ ناصر الدین شاه بود که در شبهای چراغان و مجالس عیش و سور کجا جمع شویم و چه‏ قسم به تماشا و گردش برویم.یک‏مرتبه نوکری از خدمهء معتضد دوان دوان با حالت‏ مغشوش رسید سر به گوش معتضد السلطنه برده مطلبی گفت.بلادرنگ معتضد السلطنه حرکت نموده‏ گفت برویم خانه.اجماعا حرکت کرده داخل عمارت شده گفت«شاه را در حضرت‏ عبد العظیم تپانچه زده‏اند».برویم دربخانه.بعد از کنگاش زیاد او و افخم الدوله و محمد حسن میرزا رفتند.تاج الدین میرزا هم اسب مرا سوار شد رفت.من با آقای عماد السلطنه‏ و شعاع الدین میرزا بیرون آمده که نزد من بیایند تا اسبها برسد.اتفاقا اسبهای هریک‏ رسیده رفتند،امروز را معتضد السلطنه برای خاطر این...در رکاب شاه نبود.

صبح روز شنبه 18 معلوم شد میرزا رضا نام کرمانی که از مرده و فدائیان سید جمال الدین اسدآبادی است و مدتها بواسطهء سوءاعمال و همین ارادات محبوس بوده‏ مرد شریر بدذاتی است در حرم مبارک حضرت عبد العظیم نیم ساعت از ظهر گذشته که‏ شاه طواف می‏فرموده و با قصد روز جمعه خیال نماز در بالای سر حضرت را داشته یک‏ تیر تپانچه به قلب شاه زده و بعد از شش ثانیه روح از بدن شاه مفارقت نموده فورا تپانچه‏ به خودش خواسته بزند که همراهان و ملتزمین رکاب نگذاشته دستگیرش کردند.که‏ ساعتی شاه را در مسجد کوچک زنانه و سر مقبرهء فروغ السلطنه نگاه‏داری کرده تا صحن‏ (اصل سحن)و حرم قرق شده میرزا علی اصغر خان صدر اعظم شاه را به کالسکه نشانیده‏ و بطوریکه به اغلب بلکه تمام مردم مشتبه شده به شهر آورد و روز شنبه در مسجد شاه

(\*)-این عکس در قسمت عکسها چاپ شد و اصل آن متعلق است به آقای مسعود سالور که به‏ پایمردی دکتر محمد دبیر سیاقی به دست ما رسیده است مطلبی که نقل شده از پشت همان عکس است.